

پیام روز جهانی تئاتر ۲۰۲۴ - ۲۷ مارس

۸ فروردین ۱۴۰۳

نویسنده‌ی پیام: یون فوسه، نروژ

نویسنده و نمایشنامه‌نویس نروژی

ترجمه فارسی

پیام روز جهانی تئاتر ۲۰۲۴ توسط یون فوسه

هنر صلح است

هر فردی بی‌نظیر است و در عین حال شبیه هر فرد دیگری است. البته ظاهر مرئی و بیرونی ما با ظاهر دیگران متفاوت است، این درست است، اما در درون تک‌تک ما چیزی وجود دارد که تنها متعلق به همان فرد است - که تنها همان فرد است. ممکن است نامش را روح آنان بگذاریم، یا ضمیرشان. یا می‌توانیم تصمیم بگیریم که اصلاً با کلمات آن را نام‌گذاری نکنیم، فقط رهایش کنیم.

اما همچنان که همه‌ی ما بی‌شبهت به یکدیگریم، شبیه به هم نیز هستیم. مردم هر نقطه از جهان اساساً شبیه هم‌اند، فارغ از اینکه به چه زبانی صحبت می‌کنیم، چه رنگ پوستی داریم، چه رنگ مویی داریم.

این ممکن است چیزی مانند یک پارادوکس باشد: اینکه ما کاملاً شبیه هستیم و هم‌زمان مطلقاً بی‌شبهتیم. شاید یک فرد در پیوند جسم و روح ما ذاتاً متناقض باشد - ما هم

زمینی‌ترین و محسوس‌ترین وجود را در برمی‌گیریم و هم چیزی را که از این محدودیت‌های مادی و زمینی فراتر می‌رود.

هنر، هنر خوب، به روش شگفت‌انگیز خود موفق می‌شود چیزهای تماماً بی‌نظیر را با چیزهای جهان‌شمول ترکیب کند. به ما اجازه می‌دهد آنچه را که متفاوت است - یا به عبارتی آنچه را که ناآشنا است - به عنوان جهان‌شمول درک کنیم. با این کار هنر مرزهای میان زبان‌ها، نواحی جغرافیایی، کشورها را درهم می‌شکند. نه تنها ویژگی‌های فردی هر کس را، بلکه به تعبیری دیگر، خصوصیات فردی هر گروهی از مردم، مثلاً هر ملتی را گرد هم می‌آورد.

هنر این کار را نه با از میان بردن تفاوت‌ها و یکسان کردن همه چیز، بلکه برعکس، با نشان دادن آنچه با ما متفاوت است، آنچه ناآشنا و بیگانه است، به ما انجام می‌دهد. تمام هنر خوب دقیقاً حاوی همین است: چیزی بیگانه، چیزی که نمی‌توانیم به طور کامل درکش کنیم و در عین حال به نوعی درکش می‌کنیم. به اصطلاح، یک راز را دربردارد. چیزی که ما را مجذوب خود می‌کند و به این ترتیب ما را به آن سوی محدودیت‌های خود می‌راند و با این کار تعالی‌ای خلق می‌کند که تمام هنر باید هم آن را در خود داشته باشد و هم ما را به سوی آن رهنمون شود.

من راهی بهتر برای جمع اعداد نمی‌شناسم. این رویکرد دقیقاً معکوس نسبت به رویکرد مناقشات خشونت‌آمیزی است که بیش از حد در جهان می‌بینیم، که اغلب با استفاده از غیرانسانی‌ترین اختراعاتی که تکنولوژی در اختیارمان گذاشته است، و سوسه‌ی ویران‌گر نابودی هر چیز بیگانه، هر چیز بی‌نظیر و متفاوت را برآورده می‌کند. تروریسم در جهان وجود دارد. جنگ وجود دارد. چرا که انسان‌ها وجهی حیوانی نیز دارند که با این غریزه هدایت می‌شود که دیگری را، بیگانه را به جای رازی مسحورکننده، به عنوان تهدیدی برای وجود خودش تجربه می‌کند.

این‌گونه است که بی‌نظیر بودن - تفاوت‌هایی که ما همه می‌توانیم ببینیم - ناپدید می‌شوند و شباهتی جمعی بر جا می‌گذارند که در آن هر چیز متفاوتی تهدیدی است که لازم است ریشه‌کن شود. آنچه از بیرون به عنوان تفاوت دیده می‌شود، مثلاً در مذهب یا ایدئولوژی سیاسی، تبدیل به چیزی می‌شود که لازم است مغلوب شده و نابود گردد.

جنگ نبردی است علیه آنچه در عمق وجود همه‌ی ما نهفته است: چیزی بی‌نظیر. و همین‌طور نبردی است علیه هنر، علیه آنچه در عمق وجود تمام هنر نهفته است.

من اینجا از هنر به طور کلی سخن گفته‌ام، نه درباره‌ی تئاتر یا نمایشنامه‌نویسی به طور مشخص، اما دلیلش این است که چنان که گفته‌ام، تمام هنر خوب، در عمق خود حول

یک چیز مشترک می‌گردد: گرفتن چیزهای بی‌نظیر، کاملاً ویژه، و جهان‌شمول کردن آن. متحد کردن خاص با جهان‌شمول به وسیله‌ی بیان هنرمندانه‌ی آن: نه حذف کردن ویژه بودن آن بلکه تأکید بر این ویژه بودن، اجازه دادن به آنچه بیگانه و ناآشناست تا به روشنی بدرخشد.

جنگ و هنر متضادند، چنان که جنگ و صلح متضادند - به همین سادگی است. هنر صلح است.

ترجمه به فارسی توسط شیرین میرزانژاد - دبیر تحریریه گروه تئاتر اگزیت ایران

Translate to Persian (Farsi) by **Shirin Mirzanejad**

Chief editor of **Exit Theatre - Iran**

منبع: وبسایت انستیتو بین‌المللی تئاتر (ITI) - سازمان جهانی هنرهای نمایشی

<https://www.world-theatre-day.org/messageauthor.html>